

## مقایسه و نقد داستان

## «روباه و خر و شیر گر گرفته» از کلیله و دمنه

## با «شگال خرسوار» از مرزبان نامه

علی صفی زاده

دانشجوی دکترای زبان و ادبیات فارسی و مدرس دانشگاه آزاد و پیام نور دلفان

## چکیده

کلیله و دمنه و مرزبان نامه بدون هیچ گمان و گزافه در شمار ارزشمندترین و ماندگارترین کتاب‌های نثر فارسی به‌ویژه در نثر فنی و مصنوع هستند. نویسندگان این دو اثر سعی کرده‌اند مبانی اخلاقی و پندهای هدایتگر خود را در قالب قصه‌های کوتاه و تمثیلی، به جامعه بشری عرضه کنند. در کلیله و دمنه پنجاه و هفت، و در مرزبان نامه نیز پنجاه و هفت حکایت کوتاه و بلند گنجانده شده است و همین یکسانی تعداد حکایت‌ها در این دو کتاب نیز، جای تأمل دارد. قصه‌های این دو کتاب به هم گره خورده‌اند و رشته‌ای نامرئی آن‌ها را به هم پیوسته است. تاجایی که شانزده حکایت در دو کتاب بسیار شبیه به هم و در واقع سایه یکدیگر می‌باشند. این دو اثر مهم، تصویری از جوامع بشری در گذشته در اختیار ما می‌گذارند و حاوی نکات اجتماعی مهمی هستند که هر قشری، از محقق ادبی گرفته تا جامعه‌شناس، روان‌شناس، و سیاسی‌دان و... می‌تواند از آن‌ها بهره‌مند شود. البته برای قصه‌گویی و داستان‌پردازی تاریخ مشخص و قطعی نمی‌توان تعیین کرد اما گروهی تصنیف و مکتوب کردن آن را به ایرانیان نخستین نسبت داده‌اند. در مقاله حاضر، نویسنده بر آن است که دو حکایت بسیار مشابه و مشترک در دو اثر را از لحاظ عناصر داستانی و زیرساخت‌های قصه، به روش تطبیقی و مقایسه‌ای، نقد و بررسی کند و از منظر ریخت‌شناسی قصه آن‌ها را واکاوی نماید.

کلیدواژه‌ها: کلیله و دمنه، مرزبان‌نامه،

ریخت‌شناسی، قهرمان، ضدقهرمان، قصه و داستان.

## پیشینه و روش پژوهش

محققان و پژوهشگران درباره جایگاه و ارزش دو کتاب کلیله و دمنه و مرزبان نامه مطالب و مقالات گوناگون نگاشته‌اند اما در مورد مقایسه تطبیقی حکایات مشترک در دو کتاب، تاکنون نگارنده این سطور به مطالبی برخورد کرده و همین، دلیل پرداختن به این موضوع است. لازم به ذکر است که این مقاله از رساله کارشناسی ارشد نگارنده در دانشگاه شهید بهشتی با موضوع «مقایسه ساختاری و محتوایی کتاب کلیله و دمنه با مرزبان‌نامه» گرفته شده است. روش پژوهش حاضر توصیفی است و نتایج به عمل آمده بر اساس روش کتابخانه‌ای تجزیه و تحلیل و نقد شده است. توجه ویژه مردم به این کتاب‌ها و زبان به زبان گشتن متن و پیام این داستان‌ها و مهم‌تر از این‌ها ضرب‌المثل شدن حکایات‌های حیوانات مرا بر آن داشت که تلاش و کوشش خود را در این زمینه به کارگیرم.

## کلیله و دمنه

کتاب «کلیله و دمنه» (کرتکا و دمنکا) در اصل به زبان سانسکریت بوده و در دوران پادشاهی خسرو انوشیروان از هندی به زبان پهلوی برگردانده شده است. کلیله و دمنه هم در زمان ساسانیان و هم در دوران اسلامی محبوبیت خاصی داشت. (تفضلی، ۱۳۷۷: ۳۰۳). کلیله و دمنه را برزویه طبیب از سانسکریت به پهلوی ترجمه کرد و

سپس، ابن مقفع آن را به عربی برگرداند. اما ترجمه فارسی کلیله و دمنه به دست ابوالمعالی نصرالله بن محمد بن عبدالحمید منشی صورت گرفته است که به کلیله و دمنه بهرامشاهی معروف است. این ترجمه در حدود سال ۵۳۶ انجام شده است (صفا، ۱۳۷۳: ۹۵۰).

## مرزبان‌نامه

«مرزبان‌نامه» کتابی است به قلم اسفهدی مرزبان بن رستم به شروین از ملوک طبرستان (آل باوند). این کتاب در اواخر قرن چهارم هجری به لهجه قدیم طبری تألیف شده و کتابی است مشتمل بر حکایات و تمثیلات و افسانه‌های حکمت‌آمیز که به طرز و اسلوب کلیله و دمنه از السنه وحوش و طیور و دیو و پری فراهم آورده‌اند (قزوینی، ۱۳۶۳: ۱۰۵۶). مرزبان‌نامه در نیمه نخستین سده هفتم در میان سال‌های (۶۰۷-۶۲۲) توسط سعدالدین وراوینی از طبری به پارسی ترجمه شده است. همه مطالب و قصص نه باب مرزبان‌نامه ساخته ذهن مرزبان (مؤلف اصلی) نیست بلکه وراوینی از خود نیز مطالبی را به آن افزوده است. همین‌طور نیز می‌توان پنداشت که برخی از مطالب خود مرزبان هم مأخوذ از روایات شفاهی و کتبی حوزه فرهنگی طبرستان و گیلان بوده باشد (شمیسا، ۱۳۶۱: ۱۲۷۷).

داستان «شگال خرسوار» در مرزبان‌نامه از داستان «شیر گر گرفته و روباه و خر» در کلیله و دمنه بسیار تأثیر پذیرفته است.

## داستان «شغال خرسوار»: (مرزبان‌نامه: ۸۱) خلاصه داستان

شغالی به عادت همیشگی خود برای خوردن انگور و میوه‌های دیگر به باغی رفت. باغبان که از قبل در کمین او نشسته بود، از آمدن او باخبر شد. سوراخ را بست و شغال را گرفتار کرد و او را با چوب به شدت فرو کوفت. شغال خود را به مردگی زد تا اینکه باغبان او را از باغ بیرون انداخت. پس از مدتی، لنگان لنگان به راه افتاد و نزد گرگی که با او آشنایی داشت، رفت. گرگ از او استقبال کرد اما چیزی برای پذیرایی نداشت و عذر خواست و به شغال گفت: به صحرا می‌روم تا شکار کنم اما شغال گفت: من در این نزدیکی خری می‌شناسم؛ می‌روم تا او را فریب دهم و اینجا بیاورم تا تو او را بدری. شغال رفت و خر را با وعده و وعید، فریب داد. با هم به سوی گرگ روانه شدند، اما در پایان راه، خر از دور چشمش به گرگ افتاد. با بهانه‌ای قصد بازگشتن کرد و شغال هم با او بازگشت تا کتابچه دروغین خر را بیاورند. خر وقتی به روستا نزدیک شد، مکر خود را برای شغال آشکار کرد و شغال از پشت خر فرار کرد اما سگان روستا به دنبال او افتادند و خون او هدر رفت.

## حکایت «شیر گر گرفته و روباه و خر»: (کلیله و دمنه: ۲۵۲)

شیری گر گرفته و ناتوان شده بود و نمی‌توانست شکار کند. روباهی در خدمت او بود. روزی روباه به شیر گفت باید به فکر چاره و درمان بود. من برای این بیماری علاجی می‌شناسم. شیر گفت: آن علاج چیست؟ روباه گفت: خوردن دل و گوش خر داروی این بیماری است و من در این حوالی خری می‌شناسم که از گازری است. می‌روم تا او را بفریبم و پیش تو بیاورم. شیر پذیرفت. روباه رفت و با وعده مرغزاری خوش و خرم، خر را فریفت و آورد. شیر به او حمله کرد اما نتوانست کاری از پیش ببرد و خر فرار کرد. روباه به شیر عتاب کرد که چرا نتوانستی او را نابود و هلاک کنی و

دوباره پیش خر رفت و او را فریفت و آورد و شیر هم او را درید. وقتی شیر برای غسل کردن رفت، روباه دل و گوش خر را خورد و شیر که بازگشت، در جواب علت کار خود به او گفت: این خر دل و گوش نداشت؛ و گرنه برای بار دوم به اینجا نمی‌آمد. هر دو حکایت از حکایت‌های فرعی هستند. حکایت کلیله و دمنه دارای چهل و چهار سطر، دو بیت عربی و یک بیت فارسی است. اما حکایت مرزبان‌نامه دارای پنجاه و چهار سطر، شش بیت عربی و دو بیت فارسی است. با آنکه توصیف از لوازم و عناصر داستان و از جذابیت‌های حکایات

## قصه‌های این دو کتاب به هم گره خورده‌اند و رشته‌ای نامرئی آن‌ها را به هم پیوسته است. تا جایی که شانزده حکایت در دو کتاب بسیار شبیه به هم و در واقع سایه یکدیگر می‌باشند

و قصه‌های قدیمی و امروزی به‌شمار می‌رود، اما توصیفاتی که در آغاز حکایت مرزبان‌نامه مربوط به دزدیدن انگور آورده شده تا حدودی زاید به نظر می‌رسد و حکایت را طولانی کرده است.

از لحاظ حوادث علت و معلولی، دو حکایت بسیار خوب و جذاب پرداخت شده‌اند. دیگر اینکه هر دو حکایت، دارای طرح‌هایی منسجم‌اند و فضای داستان و شکل‌گیری حوادث در آن‌ها خوب پرداخته شده است. پیام در هر دو حکایت مشترک است و آن فایده مکر در برابر دشمنان است؛ با این تفاوت که در کلیله و دمنه به کشته شدن خر می‌انجامد، ولی در حکایت مرزبان‌نامه خر، شغال را می‌فریبد و او را به کشتن می‌دهد و خود نجات می‌یابد.

از لحاظ واقع‌نمایی نیز هر دو داستان بی‌نقص‌اند و افعال حیوانات با خود آن‌ها مطابقت دارد (مثل انگور و میوه خوردن شغال، درندگی شیر و گرگ، فریب خوردن خر و...)؛ جز اینکه در یک مورد خر از خود زیرکی و هشیاری به خرج می‌دهد

و این وجه امتیاز این حکایت از بسیاری از حکایت‌های مشابه آن است. (تقوی، ۱۳۷۶: ۱۴۸)

البته این مورد در مرزبان‌نامه را نقص نویسندگی دانسته و گفته‌اند: «خر که مظهر حماقت و نادانی است، شغال را فریب می‌دهد و از پندنامه پدر دم می‌زند و بر او می‌خواند» (وحیدیان کامیار، ۱۳۷۰: ۲۶۹). در حکایت کلیله و دمنه تلمیحی بسیار جذاب در مورد شتر صالح ذکر شده که کمیاب است و آن اینکه روباه به شیر می‌گوید: «اگر دستور بدهی، چون اشتر صالح خری از سنگ بیرون آورده شود.»

در این حکایت‌ها شخصیت‌های حیوانی، آیه و حدیث بر زبان دارند و هر وقت لازم باشد به مقتضای حال، شعر فارسی یا عربی هم می‌گویند و از تمام مسائل شرعی و دینی آگاهی دارند و این موضوع در سراسر هر دو کتاب به دفعات دیده می‌شود.

## نتیجه‌گیری

در پایان سخن به این نتیجه می‌توان اشاره کرد که نویسنده کتاب مرزبان‌نامه، بسیار به کلیله و دمنه نظر داشته و بسیاری از حکایات کتابش را از این کتاب ستانده است؛ به گونه‌ای که پیام بسیاری از داستان‌ها و شخصیت‌ها در دو اثر مشابه و نظیر یکدیگر است و پیام و بیان آن دو نیز مشترک می‌باشند. دو حکایت مورد بحث ما در بالا شاهد خوبی بر این ادعا می‌باشد و پیام آن دو، فایده مکر در برابر دشمنان است.

## منابع

۱. تفضلی، احمد؛ تاریخ ادبیات ایران پیش از اسلام، به کوشش ژاله آموزگار، چاپ دوم، سخن، تهران، ۱۳۷۷.
۲. شمیسا، سیروس؛ «مرزبان‌نامه و خاطره شکست دیوان»، مجله چیستا، شماره ۱۰، ۱۳۶۱.
۳. صفای، ذبیح‌الله؛ تاریخ ادبیات ایران، چاپ سیزدهم، فردوس، تهران، ۱۳۷۳.
۴. قزوینی، محمد؛ مقالات، گردآورنده، ع-جرزبهدار، چ اول، اساطیر، تهران، ۱۳۶۳.
۵. منشی، نصرالله؛ کلیله و دمنه، تصحیح مجتبی منینی، چاپ یازدهم، امیرکبیر، تهران، ۱۳۷۳.
۶. میرصادقی، جمال؛ عناصر داستان، چاپ دوم، نشر سخن، تهران، ۱۳۶۷.
۷. وحیدیان کامیار، تقی؛ حرف‌های تازه در ادب فارسی، چ اول، جهاد دانشگاهی شهید چمران اهواز، ۱۳۷۰.
۸. وراوینی، سعدالدین؛ مرزبان‌نامه، تصحیح خلیل خطیب رهبر، چاپ هفتم، صفی‌علی‌شاه، تهران، ۱۳۸۰.